

Understanding the Symbols Concepts Formative Motif of Talesh County Kilims

Saeid Hasanpour lומר¹ 

¹. Ph.D. Graduated in Architecture, Department of Architecture, Islamic Azad University of Tabriz Branch, Tabriz, Iran

* Corresponding Author, s.hasanpuor@yahoo.com

ARTICLE INFO

IRA, 2025

VOL. 3, Issue 1, PP, 185-208

Receive Date: 13 January 2025

Revise Date: 27 February 2025

Accept Date: 04 March 2025

Publish Date: 04 March 2025

Original Article

KEYWORDS:

Talesh city; Kilim;
Geometric Motifs; Symbol;
Handicrafts

ABSTRACT

Abstract: Symbols, over time, have been identified as one of the oldest and most successful forms of human communication, with a significant role in the transmission of cultural, social, religious, and philosophical ideas. Symbolic elements, conveyed through form and design in a range of works of art, uniquely bear the beliefs and values that are intrinsic to different societies. Among all these art forms, one of the most genuine and respected handicrafts of Iran is kilim weaving, which is an exemplary example of the utilization of symbols. Kilims are not only used for practical purposes, such as for floor covering or as shawls, but also as mirrors reflecting the values of culture, beliefs, and worldviews of people of each region, conveying more than their material characteristics. Talesh city, in Guilan province, is identified as a prominent kilim weaving center in Iran. Talesh kilims occupy a unique place among Iranian handicrafts because of their utmost variety of patterns and the presence of clearly defined symbolic motifs. Talesh kilims' motifs have a close relation to the area's cultural, social, and religious features and are directly linked to its dense natural landscape. These motifs, apart from their beauty, convey significant messages and ideas from generation to generation. To this extent, Talesh kilims can be said to be a means of non-verbal communication presenting the stories, beliefs, and values of a society innovatively. However, the recent socioeconomic developments have had a profound effect on kilim weaving in the area. The youth migration to urban areas, reduced contact with traditional art forms, and lifestyle changes all threaten this valuable art form seriously. Moreover, the fact that there has not been much research into the symbolic meanings within Talesh kilim designs, as well as restricted access to scholarly literature, has contributed to the gradual disappearance of this rich cultural heritage. This circumstance results in a deterioration of the cultural identity of the region on one hand, while concurrently limiting the prospective avenues for sustainable development and the improvement of Talesh handicrafts on the other hand. Therefore, this study aims to recognize the symbolic motifs in Talesh kilim patterns. Recording and explaining these symbols is a way of preserving and reviving this important art form. This research can serve as a foundation for cultural and economic planning, enabling a better understanding of the cultural and artistic elements of the region. The outcome of this research can be used as a foundation for preparing programs for sustainable development and regional handicrafts' enhancement, thus making a significant contribution to preserving the cultural and artistic heritage of Talesh. The symbolic motifs of Talesh kilims are predominantly the outcome of the intertwinement of natural forms and abstract ideas, such as surrounding flora, botanical motifs, farming and decorative tools, mythic patterns, local and foreign fauna, and ritualistic symbols of human activities. Animal motifs in Talesh kilims reflect local lifestyles immediately, for example, permissible animals, aquatic animals, and birds. The artists also provide future generations with a visual representation of animal species that are extinct or endangered. The artists also develop various dynamic ideas in their work by using motifs inspired by wild animals and applying the inherent characteristics of

Cite this article:

Hasanpour lומר, S. (2025). Understanding the Symbols Concepts Formative Motif of Talesh County Kilims. *Interdisciplinary Researches of Art*, 3(1), 185-208. doi: 10.22124/ira.2025.29559.1047

the animals in safeguarding their crops. Talesh Kilim's design has been highly influenced by cultural exchange. The geographical fact of Talesh bordering Turkish-speaking areas and the subsequent cultural exchange have led the artisans to incorporate motifs from various ethnic groups. In particular, the Shahsavan kilims feature motifs with patterns such as crabs, ram's head, S shape, and snakes, while the Naznazi, Helai flower, and Baku patterns are characteristic of the Azerbaijan Talesh. Observations reveal that nature, including mountains, seas, rivers, celestial bodies, rain, plants, and fruits, significantly affects the symbols depicted in the Talesh kilims. Studies can be conducted on the application of kilim patterns on other local Talesh garments, and the similarities between kilims and other traditional Talesh arts.

Research Question: What determines the development of concepts, meanings, and sources for geometric patterns in Talesh kilims?

Research Method: In this research, 195 kilims were collected with a descriptive-analytical approach, based on fieldwork and library research, to study the concepts within Talesh kilim designs. First, tours were taken to 47 operational handicraft workshops within the city where kilim patterns were gathered. Next, 195 various kilims with various colors and patterns were analyzed. Finally, the concept and meaning of Talesh kilim patterns were interpreted by interviewing people and studying libraries.

License

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



Copyright © Authors

شناخت مفاهیم نمادهای شکل‌دهنده نقوش گلیم‌های شهرستان تالش

سعید حسن پور لمر^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: s.hasanpuor@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۱۴۰۴ دوره ۳، شماره ۱، صفحات ۱۸۵-۲۰۸ تاریخ دریافت: ۲۴ دی ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۰۹ اسفند ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ تاریخ انتشار: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳	گلیم‌های تالشی بازتابی از مفاهیم فرهنگی، اعتقادات، باورها و طبیعت مردمان تالش هستند. این پژوهش بر اهمیت حفظ و مطالعه گلیم‌های تالشی به عنوان بخشی از میراث فرهنگی منطقه تأکید دارد و لزوم انجام تحقیقات بیشتر برای جلوگیری از فراموشی این هنر ارزشمند را خاطرنشان می‌سازد. گلیم‌های تالشی نه تنها بیانگر هویت فرهنگی مردم این منطقه هستند، بلکه نشان‌دهنده تعاملات فرهنگی گسترده‌ای هستند که در طول تاریخ شکل گرفته است. با توجه به افزایش روند مهاجرت جوانان از مناطق روستایی به شهرها، سرعت روند فراموشی این هنر اصیل که آینه تمام‌نمای زندگی مردم منطقه است، افزایش یافته است. روش‌های تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه‌های میدانی و کتابخانه‌ای، ۱۹۵ گلیم شهرستان تالش را مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال پژوهش به شرح ذیل است: چه عواملی در شکل‌گیری مفاهیم، معانی و ریشه‌های نقوش هندسی گلیم‌های شهرستان تالش مؤثر هستند؟ نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که نمادهای شکل‌دهنده گلیم‌های شهرستان تالش در هفت سطح دسته‌بندی می‌شوند و این الگوها شامل نقوش برگرفته از: طبیعت (باغ، کوهستان، دریا، رودخانه و برف)، نقوش گیاهی (گل لاله وازگون، لاله سرخ)، حیوانات، نقوش اشیاء و نقوش ابزارآلات کشاورزی (کوزه، درخت زندگی، جام و سرباز، چنگک، حصارک چوبی، شانه) و نقوش انسانی هستند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهند که تأثیرات و تعاملات فرهنگی با اقوام مختلف، مانند ایلات شاهسون و قفقازی که در طرح‌های گلیم‌های خود از نقوش حیوانی مانند کله قوچی، مار و خرچنگ استفاده می‌کنند، در شکل‌گیری نقوش گلیم‌های تالش بسیار مؤثر بوده‌اند.
کلیدواژه‌ها: شهرستان تالش، گلیم، نقوش هندسی، نماد، صنایع دستی	
ارجاع به این مقاله: حسن پور لمر، سعید. (۱۴۰۳). شناخت مفاهیم نمادهای شکل‌دهنده نقوش گلیم‌های شهرستان تالش. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هنر، ۳(۱)، ۱۸۵-۲۰۸. doi: 10.22124/ira.2025.29559.1047	

مقدمه

از دیرباز، نمادها همواره به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مؤثرترین ابزارهای ارتباطی بشر شناخته شده‌اند و در انتقال مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و فلسفی نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند. عناصر نمادین در قالب اشکال و نقوش در هنرهای مختلف تجلی یافته و به شکلی منحصربه‌فرد بازتاب‌دهنده باورها و ارزش‌های جوامع بوده‌اند. در میان هنرها، گلیم‌بافی به عنوان یکی از اصیل‌ترین و ارزشمندترین هنرهای دستی ایرانی، نمونه‌ای برجسته از حضور نمادها به شمار می‌آید. گلیم‌ها نه تنها کاربردهایی چون زیرانداز یا پوشش دارند، بلکه همچون آیینه‌ای از فرهنگ، باورها و جهان‌بینی مردمان هر منطقه عمل می‌کنند و ارزشی فراتر از ویژگی‌های فیزیکی خود دارند. در این میان، شهرستان تالش واقع در استان گیلان به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز گلیم‌بافی در ایران شناخته می‌شود. گلیم‌های این منطقه به دلیل تنوع کم‌نظیر در نقوش و بهره‌گیری از عناصر نمادین منحصربه‌فرد، جایگاه ویژه‌ای در میان هنرهای دستی ایران دارند. نقوش به‌کاررفته در گلیم‌های تالش دارای پیوندهای عمیقی با فرهنگ، اجتماع و مذهب منطقه بوده و ارتباط نزدیکی با طبیعت غنی این سرزمین دارند. این نقوش، علاوه بر زیبایی بصری، حامل پیام‌ها و مفاهیم عمیقی هستند که نسل به نسل منتقل شده‌اند. از این رو، گلیم‌های تالش را می‌توان به مثابه زبانی بی‌صدا دانست که داستان‌ها، باورها و ارزش‌های یک جامعه را در قالبی هنری به نمایش می‌گذارد. با این حال، در سال‌های اخیر تحولات اجتماعی و اقتصادی، تأثیرات قابل توجهی بر هنر گلیم‌بافی این منطقه داشته است. مهاجرت جوانان به شهرها، کاهش علاقه به هنرهای سنتی و تغییرات سبک زندگی، از جمله عواملی هستند که این هنر ارزشمند را با خطر فراموشی روبه‌رو کرده‌اند. افزون بر این، نبود پژوهش‌های جامع و کافی درباره مفاهیم نمادین نقوش گلیم‌های تالش و کمبود مستندات علمی در این زمینه، موجب شده بخشی از این میراث غنی فرهنگی به تدریج از یاد برود. این روند نه تنها باعث ازدست‌رفتن بخشی از هویت فرهنگی منطقه می‌شود، بلکه فرصت‌های بالقوه‌ای را که می‌توانند برای توسعه پایدار و تقویت صنایع دستی تالش به کار گرفته شوند، کاهش می‌دهد. بر همین اساس، این پژوهش با هدف شناخت مفاهیم نمادین موجود در نقوش گلیم‌های تالش طراحی شده است. مستندسازی و شناخت این نمادها، تلاشی است برای حفاظت و احیای این هنر ارزشمند. همچنین، این مطالعه می‌تواند ضمن افزایش درک عمیق‌تر از فرهنگ و هنر مردم منطقه، بستری مناسب برای برنامه‌ریزی در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی فراهم کند. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌هایی در جهت توسعه پایدار و ترویج صنایع دستی منطقه باشد و بدین ترتیب، نقشی کلیدی در صیانت از میراث هنری و فرهنگی تالش ایفا کند.

مبانی نظری

نماد و گلیم بافی در ایران

نماد تعاریف متعددی دارد، از جمله، اشاره، راز، سر، ایماء، نکته، معما، علامت و اشاره‌های پنهانی. نماد چیزی است که در پس ظاهر خود معنایی نهفته دارد. نمادشناسی روشی برای بازخوانی و تفسیر ارتباط‌ها و تضادهاست (Sa'adati-Jabali et al., 2018, 96; Pournamdarian, 2017, 98). استفاده از نمادها در زندگی انسان‌ها به جهان پیرامون آن‌ها معنا می‌بخشد و شناخت بهتری از محیط اطراف‌شان ایجاد می‌کند (Jung, 2021, 46). گلیم‌ها یکی از مهم‌ترین بسترهای ظهور نمادها و نشانه‌ها هستند. کاربرد نمادها در گلیم بافی فراتر از جنبه‌های تزئینی است و بیشتر به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم درونی و ارزش‌های جامعه هنرمندان به کار می‌رود (Abeddoost & Kazempour, 2015, 81; Sharif et al., 2016, 7; Pope, 2008, 209). گلیم نوعی فرش بدون پرز است که از درگیری تاروپود با یکدیگر ایجاد می‌شود. این هنر، یکی از کهن‌ترین زیراندازهای بشری است که قدمتی بیش از ۸۰۰۰ سال دارد. تاریخچه گلیم بافی در ایران به حدود ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی‌گردد (Shayestehfar & Shokrpour, 2009, 40).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه نقوش هنری گلیم‌ها، به ویژه در مناطق مختلف ایران، انجام شده است که حضور فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات محلی و پیوند عمیق با محیط طبیعی را در این آثار هنری برجسته می‌کند. شادقزویی در دو مقاله با عناوین «گنج پنهان در نقش‌های گلیم گیلان» و «تنوع نقش در گلیم‌های دست‌بافت گیلان» به بررسی جنبه‌های مختلف گلیم‌های استان گیلان پرداخته است که نشان می‌دهد نقوش این گلیم‌ها چگونه با فرهنگ و هویت منطقه ارتباط تنگاتنگی دارند (Shadghazvini, 2009; Shadghazvini, 2005). در یک تحقیق دیگر، رستمی و قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش گلیم تالش در ایران و گلیم ترکیه» نشان داده‌اند که نقوش گلیم تالش به دلیل تعاملات فرهنگی و مهاجرت‌های متعدد، بر اقوام همسایه خود، به ویژه ترکیه، تأثیر گذاشته است. این مطالعه نشان می‌دهد که نقوش هندسی، جانوری و گیاهی گلیم تالش به طور مشخص در گلیم‌های ترکیه نیز دیده می‌شوند و این شباهت‌ها نشان‌دهنده نزدیکی مفهومی بین این دو نوع گلیم است (Rostami & Ghasemi, 2016). همچنین، قاسمی اندرود در کتاب «نقش و رنگ دست‌بافته‌های تالش» به بررسی انواع صنایع دستی شامل جوراب‌های پشمی، شال، جاجیم و گلیم‌های تالش پرداخته است که نشان می‌دهد این گلیم‌ها چگونه تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و طبیعت منطقه قرار گرفته‌اند (Ghasemi-Andaroud, 2010). نصرتی لیالمانی و یوزباشی در مقاله «شناسایی نقوش گلیم گیلان و کاربرد آن در طراحی

لباس فرم اداری زنانه و مردانه» به نتایج ذیل دست‌یافته‌اند: نقوش گلیم‌های گیلان تحت‌تأثیر محیط طبیعی منطقه قرار گرفته‌اند و در طول هزاران سال، با تعاملات فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به‌صورت تدریجی شکل گرفته و به مرحله‌ای از تکامل دست‌یافته‌اند. این نقوش، نه‌تنها به‌عنوان عناصر زینتی عمل می‌کنند بلکه می‌توانند در طراحی لباس‌ها، امکان ایجاد تغییرات نوین در پوشاک مدرن، به‌ویژه در حوزه پوشاک‌های رسمی و اداری، بکار گرفته شوند (Nosrati Liālamāni & Yuzbāshi, 2020). پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین، نقوش و گستردگی متنوع‌تری از گلیم‌های تالشی را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش حاضر همچنین به بررسی روابط فرهنگی و طبیعی بین نقوش و زندگی روزمره مردم تالش پرداخته است. این پژوهش همچنین به تأثیر متقابل تعاملات فرهنگی میان اقوام تالش و قبایل همسایه، همانند ایل شاهسون و قفقازی بر شکل‌گیری نقوش گلیم‌های تالشی می‌پردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش، نگارنده با هدف شناخت مفاهیم موجود در نقوش گلیم‌های تالش، ۱۹۵ گلیم بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از شیوه‌های میدانی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا، از ۴۷ کارگاه صنایع‌دستی فعال در شهرستان بازدید میدانی به‌عمل آمد و پس از آن از هر یک از کارگاه‌های صنایع‌دستی تالش طرح‌های گلیم‌ها تصویربرداری شد و درگام بعدی ۱۹۵ گونه مختلف از گلیم‌ها که دارای نقوش و رنگ‌بندی گوناگونی بودند مورد بررسی قرارگرفته شد و در گام بعدی، از طریق مصاحبه با بافندگان محلی و مطالعات کتابخانه‌ای، معانی و مفاهیم نقوش گلیم‌های تالش تفسیر شده است.

یافته‌ها و بحث

شهرستان تالش

در گذشته، تالش نام سرزمینی بود که از شمال به آلبانی قفقاز، از شرق به دریای خزر، از جنوب به سپیدرود گسترده شده بود (Akhavi, 2015, 67). امروزه، محدوده جغرافیایی تالش با مساحتی حدود ۳۶۷۲ کیلومترمربع، در انتهای غربی استان گیلان و در امتداد رشته‌کوه‌های البرز در شمال غربی و بالاتر از تنگه سفیدرود قرارگرفته است (Zarei, 2018, 145). این منطقه یک چهارم وسعت جغرافیایی استان گیلان را تشکیل می‌دهد (Rafie Far & Ghorbani Rik, Hasanpour Loumer, 2014, ;120). 64 (2007) و اقوام مختلفی مانند ترک‌ها، گیلک‌ها و تات‌ها با مذاهب تشیع و تسنن در این شهرستان زندگی می‌کنند (Ghorbani Rik & Ma'dani, 2017, 99). فرهنگ مردم تالش شامل عناصر فراوانی از باورهای مرتبط با مظاهر طبیعت، ادیان و آیین‌های ایران باستان و دین اسلام است (Alavi, 2016, 89). مردم تالش به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوای مناسب، خاک حاصلخیز

برای کشاورزی، پوشش گیاهی غنی و مراتع فراوان، شرایط مناسبی برای خلق آثار هنری دارند (Rahimi, 2019, 56). از جمله این هنرها می‌توان به گلیم‌بافی، قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، چموش‌دوزی، حصیربافی، سبدبافی، ابریشم‌بافی، شال‌بافی، چوخابافی، جوراب‌های پشمی، نم‌بافی، شانه‌سازی و سفال‌گری اشاره کرد (Panahi et al., 2014, 123) در شکل ۱ موقعیت جغرافیایی شهرستان تالش نشان داده شده است.



شکل ۱. موقعیت سیاسی و جغرافیای شهرستان تالش

معرفی و گونه‌شناسی نقوش گلیم‌های شهرستان تالش

تنوع اقلیمی و قومیتی در استان گیلان، به‌ویژه در شهرستان تالش، باعث شده است که گلیم‌بافی از تنوع بی‌شماری برخوردار باشد. درواقع، تنوع نقوش در گلیم‌های تالشی به‌گونه‌ای است که با ترکیب چندین نقش، می‌توان نقوش جدید و تازه‌ای خلق کرد.

نقوش طبیعت (باغ، کوهستان، دریا، رود و برف)

نقوش باغ

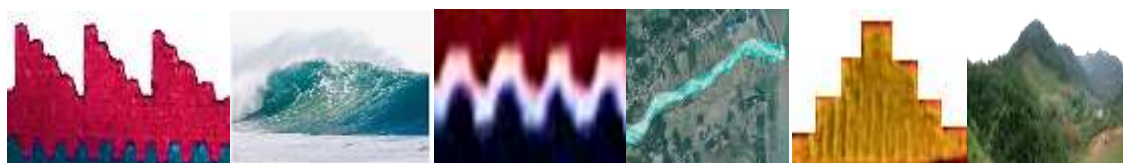
باغ نمادی از بهشت بر روی زمین است (Sabbagh Pour & Shayestehfar, 2009, 100; Chevalier & Gheerbrant, 2000, 49). نقوش باغ در گلیم‌های تالش از زندگی کشاورزی مردم این منطقه الهام گرفته شده است، جایی که نیازهای روزمره خود را از طریق کشت محصولات در زمین‌های زراعی و باغ‌ها تأمین می‌کنند. طرح غالب این نقوش به‌صورت لوزی و مربعی است که در ابعاد مختلف و به‌شکل متقارن به‌کار گرفته می‌شوند. همچنین، در برخی از طرح‌ها، ترنج‌ها به‌صورت لوزی دیده می‌شوند که نمادی از جنگل‌های انبوه کاج و سرو هستند. این جنگل‌ها به‌وفور در مناطق کوهستانی مانند اسالم، سه‌تپه و ساحل گیسوم یافت می‌شوند (شکل ۲).



شکل ۲. نقوش باغ و درختان در گلیم‌های تالش، عکس: نگارنده

نقوش کوه، رود و موج

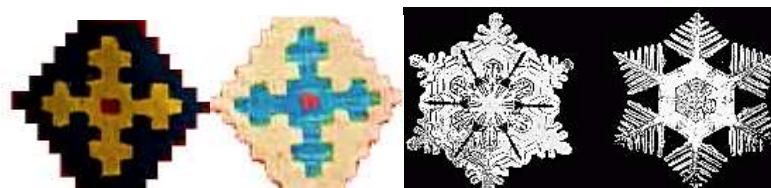
شهرستان تالش با داشتن جنگل‌های انبوه و فاصله کم با دریای خزر، از طبیعتی مسحورکننده و زیبا برخوردار است (Nikitina, 2019, 45). بارندگی‌های فراوان در این منطقه باعث شکل‌گیری رودهای متعددی شده که علاوه بر تأثیرگذاری بر ساختار کالبدی شهر، منجر به نام‌گذاری بخش‌هایی از آن با نام‌هایی مانند کرگانرود شده است (Karimi, 2017, 92). کوه‌های اسالم به خلخال، یکی از زیباترین جاده‌های بین‌المللی ایران است که هرساله میزبان مسافران زیادی است (Shahmoradi Ardjani, 2012, 63) بدون شک، وجود چنین بسترهای طبیعی باعث شده است که نمادهای مرتبط با طبیعت همواره در گلیم‌های تالش مورد استفاده قرار گیرند (شکل‌های ۳-۴-۵).



شکل‌های ۳-۴-۵. نقوش هندسی، رود و نقش موج در گلیم‌های تالش، عکس: نگارنده

نقوش بلورهای برف

بافندگان تالش بر این باورند که برف نمادی از پاکی و فراوانی است (Masali, 2010, 28) آنها معتقدند در سالی که بارش برف زیاد باشد، سال زراعی بسیار مطلوبی در پیش خواهد بود، زیرا منابع آب زیرزمینی افزایش می‌یابد و میزان بیماری‌ها و آفات در آن سال کاهش پیدا می‌کند (شکل ۶).



شکل ۶. نقوش بلور برف در گلیم‌های تالش، عکس: نگارنده

نقوش گیاهی (گل لاله واژگون، گل لاله سرخ، گل هلاهی، گل سوسن چلچراغ، گل محمدی، گل باکویی، گل ستاره‌ای (گل هشت‌پر))

نقوش گل‌های لاله واژگون و لاله سرخ

گل‌های موجود در گلیم‌های تالشی معمولاً از گل‌های محلی و مفاهیم اسطوره‌ای ایران الهام گرفته شده‌اند. از جمله این گل‌ها می‌توان به گل لاله‌های واژگون اشاره کرد که در منطقه کرمون اسالم رشد می‌کنند و هرساله باعث برگزاری جشن‌های متعددی در تالش می‌شوند. گل‌های لاله واژگون و لاله سرخ در فرهنگ تالش نماد جشن ازدواج نوعروسانی هستند که پس از گذراندن فصل سخت زمستان (نمادی از سختی‌های زندگی) توانسته‌اند به هدف خود، یعنی شکوفایی و کمال انسانی و تکمیل دین خود، دست یابند (جدول ۱ شکل ۷).

نقوش گل هلاهی

گل هلاهی نمادی از اتحاد و وحدت میان اقوام مختلف تالش است (Abdoli, 2023, 48) شهرستان تالش دارای اقلیت‌های قومی و مذهبی متعددی است که در کنار یکدیگر با صلح و آرامش زندگی می‌کنند (Pak Khoshkhnoodahani, 2020, 36) (شکل ۸).

نقوش گل سوسن چلچراغ

گل سوسن چلچراغ به دلیل کمیاب بودن مکان‌های رویش آن، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (Borhani, 2019, 156). این گل در استان گیلان و در مناطقی مانند رودسر، داماش، نور و تالش می‌روید (Farsam et al., 2003, 164). سوسن چلچراغ از قداست خاصی در میان بافندگان تالش برخوردار است و به عنوان نمادی ارزشمند در فرهنگ و هنر این منطقه شناخته می‌شود (Manfardeh-Chamachari, 2023, 42) (شکل ۹).

نقوش غنچه و گل محمدی

گل محمدی نمادی از اعتقادات دینی، پاکی، طهارت و عشق است (Javadi & Siraji, 2020, 41) این گل به صورت متقارن در حاشیه‌های گلیم‌ها به کار گرفته می‌شود و نشان‌دهنده ارزش‌های معنوی و فرهنگی مردم تالش است (شکل ۱۰-۱۱).

نقوش گل انگشتی

گل‌های انگشتی نیز از جمله گل‌هایی هستند که در تالش به وفور یافت می‌شوند. این گل‌ها معمولاً به عنوان نقش اصلی در مرکز گلیم‌ها به کار گرفته می‌شوند و زیبایی خاصی به طرح‌های گلیم می‌بخشند. (شکل ۱۱).

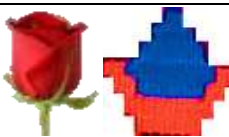
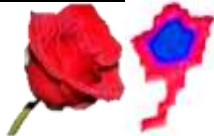
نقوش گل باکویی

گل باکویی از تالش‌هایی الهام گرفته شده است که در کشور آذربایجان، به ویژه در منطقه لنکران، زندگی می‌کنند (Alakbarli, 2016, 78). این گل نمادی از پیوند فرهنگی و تاریخی بین تالش‌های ایران و تالش‌های ساکن در آذربایجان است (Fathi, 2018, 124). در واقع، این منطقه پس از عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای از ایران جدا شد و به روسیه و سپس به آذربایجان پیوست (Croissant, 1998, 67). (شکل ۱۲).

نقوش گل ستاره‌ای (هشت‌پر)

گل ستاره‌ای (هشت‌پر) نمادی از خورشید و اجرام آسمانی است (Ghani, 2011, 19) بافندگان محلی بر این باورند که گل ستاره‌ای نماد خورشید و ستارگان است که روشنایی، پاکی، خلوص و انرژی‌های مثبت را برای ساکنان فضاها داخلی خانه به ارمغان می‌آورد (شکل ۲).

جدول ۱. نقوش گل‌های به کار گرفته شده در گلیم‌های تالش

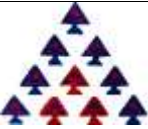
شکل ۷. نقش گل لاله	شکل ۸. نقش گل هلایی	شکل ۹. نقش گل سوسن چلچراغ	شکل ۱۰. نقش غنچه گل محمدی
			
شکل ۱۱. نقش گل محمدی	شکل ۱۲. نقش گل انگشتی	شکل ۱۳. نقش گل باکویی	شکل ۱۴. نقش گل ستاره
			

نقوش درخت و میوه (درخت سرو و توت فرنگی)

نقوش درختان سرو

درخت سرو در هنر ایرانی به عنوان نمادی از جاودانگی، قدرت، مقاومت و زندگی بی پایان شناخته شده است (Khan, 2021, 43). این درخت که به دلیل طولانی بودن عمر خویش و قامت رفیع خود با قدرت طبیعت و پایداری مرتبط می شود، در طراحی های مختلف از جمله قالی، گلیم و حتی مجسمه سازی به کار رفته است (Canby, 2002, 54). این نماد که منعکس کننده ارزش های معنوی و فرهنگی مردم ایران است، اغلب در فضاهای مقدس، باغ های تاریخی و ساختمان های مهم قرار گرفته است (Overton, 2020, 87). درختان سرو در میان بافندگان تالشی از جایگاه ویژه ای برخوردارند و نمادی از امید به زندگی در شرایط سخت هستند. در گلیم های تالش، درختان سرو نماد قهر، صلح و آشتی به شمار می روند، طرح درختان سروی که پشت به پشت یکدیگر قرار گرفته اند، نشان دهنده قهر و ستیز هستند، در حالی که درختان سروی که روبه روی هم قرار گرفته اند، نمادی از صلح و دوستی به شمار می روند (جدول ۲، شکل های ۱۵-۱۷).

جدول ۲. نقوش درختان در گلیم های تالش

شکل ۱۵. نقش درخت سرو	شکل ۱۶. نقش درختان سرو پشت به یکدیگر نماد قهر و جنگ	شکل ۱۷. نقش درختان سرو در امتداد یکدیگر نماد آشتی و صلح	شکل ۱۸. نقش توت فرنگی
			

نقوش درخت زندگی

درخت زندگی نمادی با معانی عمیق است؛ این درخت نشان دهنده محور جهان است و میوه هایش نماد ابدیت و جاودانگی هستند (Ferrier, 1989, 53). علاوه بر این، درخت زندگی نمادی از کیهان، منبع باروری، دانش و حیات است (Abeddoost & Kazempour, 2009, 123) (شکل ۱۹).



شکل ۱۹. نقش درخت زندگی

نقوش توت‌فرنگی

توت‌فرنگی نماد شادی است (Pir-Heyati, 2015, 67). این میوه به‌طور طبیعی در فصل تابستان در کوه‌های تالش رشد می‌کند و هرساله ساکنان این منطقه برای برداشت آن به دامن طبیعت می‌روند. بسیاری از بافندگان تالشی بر این باورند که توت‌فرنگی به‌دلیل رنگ قرمز خود، نمادی از عشق، شادی و ازدواج است و از این نماد در گلیم‌های خود استفاده می‌کنند (شکل ۱۸).

نقوش حیوانات (آهو، غزال، گوزن، قوچ، اردک، قو، مرغابی، کلاغ، شاهین، طاووس، مار، ماهی، خرچنگ، لاک‌پشت و شیر)

نقوش حیوانی در گلیم‌ها مفاهیم دینی و اسطوره‌ای را دربرمی‌گیرند (Taqvinezhad, 2008, 49; Chevalier & Gheerbrant, 2000, Vol. 3, 43). با بررسی گلیم‌های شهرستان تالش، می‌توان انواع نقوش حیوانی مانند گوزن، آهو، قوچ، مرغابی، اردک، قو، کلاغ، شاهین، طاووس، مار، ماهی، خرچنگ، لاک‌پشت و شیر را مشاهده کرد که بازتابی از حیوانات موجود در طبیعت این منطقه هستند.

نقوش آهو

آهو نمادی از خداوند، زنانگی و زمین مؤنث است و نگاه آن به نگاه دختری جوان تشبیه شده است (Hassanpour-Nami et al., 2021, 78). آهو در هنر گلیم‌بافی شهر تالش به‌عنوان نمادی از زیبایی طبیعی، قدرت و سرعت جانوری است که به تمدن‌های باستانی منطقه برمی‌گردد. این نقوش معمولاً با الگوهای هندسی ترکیب شده‌اند که به نشان‌دادن تعادل و تناسب در طبیعت پرداخته است (Stierlin, 2012, 67). علاوه‌براین، وجود آهو در گلیم‌ها می‌تواند به معانی فرهنگی و اعتقادات محلی مردم تالش اشاره کند که این حیوان را نمادی از شجاعت و مقاومت در برابر چالش‌های زندگی می‌دانند (شکل ۲۰).

نقوش غزال

غزال نمادی از چالاکی، چستی، فرزی، سرعت، زیبایی و تیزچشمی است (Mabashari & Karimi, 2015, 43). غزال در فرهنگ محلی تالش نشان‌دهنده آرمان‌های زیبایی‌شناسی و ارزش‌های اخلاقی است که به پاکیزگی روح، شجاعت در برابر دشمنان و تعامل مثبت با محیط طبیعی اشاره دارد. وجود غزال در گلیم‌ها نشان‌دهنده اهمیت این نماد در تجلیل زندگی روزمره و اعتقادات مردم تالش است (شکل ۲۰).

نقوش گوزن

گوزن نمادی از باروری، رشد، تولد دوباره، تقوا، رهبری، پیروزی، شادی و مردانگی است (Mabashari, 2015, 29 & Karimi). هنرمندان تالشی علاوه بر خلق زیبایی بصری با استفاده از نقوش آهو و گوزن، تلاش کرده‌اند تا این حیوانات را که روزگاری به عنوان مهم‌ترین منابع غذایی مردم این منطقه محسوب می‌شدند و امروزه در خطر انقراض هستند، به نسل آینده معرفی کنند (شکل ۲۱).



شکل‌های ۲۰-۲۱. نقوش آهو و گوزن در گلیم‌های تالش

نقوش قوچ

بخش قابل توجهی از مردم تالش در مناطق کوهستانی به زندگی و دام‌پروری مشغول هستند و گونه‌های دامی مانند گاو، بز و گوسفند به عنوان اصلی‌ترین دارایی آن‌ها محسوب می‌شود. در مناطق کوهستانی، فراوانی بزهای نر و قوچ‌ها نمادی از ثروت و توانمندی هر خانواده است (Wilson, 2014, 187). گلیم‌هایی که با طرح کله‌قوچی تزئین شده‌اند، از قداست خاصی در میان مردم این مناطق برخوردار هستند. طرح قوچ و کله قوچ همواره در بسیاری از طرح‌های قالی و گلیم‌های مناطق مختلف ایران دیده می‌شود (Mahmoudi & Shayeghfah, 2008, 30). نماد کله‌قوچی نشان‌دهنده باروری، مردانگی و ایمان است (Rahideh & Aghighi-Hatamipour, 2014, 10) (شکل‌های ۲۲-۲۳).



شکل‌های ۲۲-۲۳. نقوش کله قوچی و قوچ در گلیم‌های تالش

نقوش اردک

اردک در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، نمادی از رزق و آب شناخته می‌شود و به طور کلی به عنوان نشانه‌ای از چشمه، برکه یا رودخانه دائمی تفسیر می‌شود (Chevalier & Gheerbrant, 2000, Vol. 1, 112). این حیوان که به طور طبیعی به آب‌های شیرین و محیط‌های مرطوب وابسته است، نقش مهمی در نمادشناسی فرهنگ‌های خاور دور ایفا می‌کند. در این منطقه جغرافیایی، اردک به عنوان نمادی از وصلت و نیک‌بختی شناخته می‌شود (Nosrati-Lialmani & Yuzbashi, 2020, 78) (شکل ۲۴).

نقوش قو

قو که یکی از زیباترین پرندگان دنیا شناخته می‌شود، در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف به عنوان نمادی از سفیدی، نور، ظرافت، شهامت و باروری تفسیر شده است (Ciriot, 2001, 287). این حیوان، با توجه به رفتارش و زیبایی طبیعی‌اش، به عنوان نماد جهانی عشق حقیقی نیز شناخته می‌شود. در بسیاری از روایت‌های فولکلوری و اساطیر، قوها به عنوان نمادی از وفاداری و عشق بلندمدت تصویرسازی می‌شوند که این موضوع نشان‌دهنده نقش مهم آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف است (Stevens, 1998, 145; Ahmadi, 2021, 56) (شکل ۲۵).

نقوش مرغابی

شهرستان تالش در فصل پاییز میزبان پرندگان مهاجری مانند مرغابی‌ها، اردک‌های وحشی و قوهاست که از مناطق سرد سیبری به مناطق معتدل شمالی مهاجرت می‌کنند. در این فصل، بسیاری از شکارچیان تالشی با شکار این پرندگان مهاجر به امرارمعاش می‌پردازند. درواقع، تصاویر متعدد پرندگان مهاجر که در گلیم‌های تالش نقش بسته‌اند، بازتابی از تعامل بین نیازهای زیستی و زندگی مردمان این منطقه است (شکل ۲۶).



شکل‌های ۲۴-۲۵-۲۶. نقوش اردک، قو و مرغابی در گلیم‌های تالش

نقوش کلاغ

مفهوم نقوش پرندگان در گلیم‌ها شامل معانی مانند آرزو، آزادی، آسمان، ابر، الهام، باد، پیشگویی، پیام‌رسانی، تناسخ روح، تنفس، جاودانگی، حاصلخیزی، خورشید، ذات الهی، روح زندگی، روح هوا، رشد، عجله و شتاب و کودک است (Thompson, 1987, 72). کلاغ یا زاغ‌ها پرندگانی هستند که در بسیاری از فرهنگ‌ها معانی متفاوت و گاه متضادی دارند (Pennycuick, 2008, 145). این پرنده زیرک در برخی از متون فرهنگی با صفاتی مانند خبرچینی، بدشگونی، سیاهی، مرده‌خواری، سماجت و دزدی توصیف شده است (Parsanasb & Manavi, 2013, 73) (شکل ۲۷).

نقوش شاهین

شاهین نمادی از هوش بالا، چالاکي و شکارچی ماهر است (Jalilian & Ahmadpanah, 2012, 12). وجود طرح‌های کلاغ و شاهین در گلیم‌های تالشی معمولاً نمادی از هشدار درباره تهدید

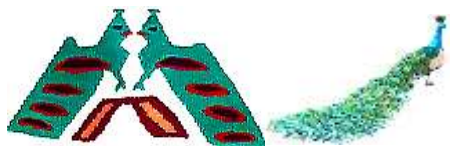
دزدیده شدن پرندگان محلی مانند جوجه‌های مرغ، اردک‌ها و غازهاست که در زندگی روستایی این مناطق به وفور یافت می‌شوند. هرگاه در طرح گلیم‌های تالش از الگوهای پرندگان محلی (خوراکی) استفاده شده باشد، در مقابل آن از طرح پرندگان شکاری مانند کلاغ و شاهین نیز برای ایجاد یک تضاد مفهومی و نشان دادن چرخه طبیعی زندگی بهره گرفته شده است (شکل ۲۸).



شکل‌های ۲۷-۲۸. نقوش کلاغ و شاهین در گلیم‌های تالش

نقوش طاووس

طاووس نمادی از زیبایی، قدرت، دگردیسی، اصالت و نجیب‌زادگی است (Morgan, 2010, 87). در اسلام نیز طاووس نماد کیهان است و هنگامی که چتر خود را می‌گشاید، نشان‌دهنده کیهان، قرص کامل ماه و خورشید در سمت‌الرأس آن است (Sabbagh Pour & Shayestehfar, 2010, 41). پره‌های رنگارنگ طاووس نماد اصالت، شکوه و جلال زیبایی آسمانی است که بر روی زمین تجلی یافته است (Fakhr et al., 2012, 37). بافندگان تالشی از طرح طاووس به عنوان نمادی از عروسی که لباسی فاخر بر تن کرده و به کمال و بلوغ رسیده است، در گلیم‌های خود استفاده می‌کنند (شکل ۲۹).



شکل ۲۹. نقوش طاووس در گلیم‌های تالش

نقوش مار

مار در منابع کهن فارسی به دو معنای کاملاً متضاد اشاره شده است، میراننده و زاینده (مادر، بن و شالوده چیزی). مار نمادی از باروری، شادمانی و تحرک است و درواقع هم عامل هستی و هم عامل نیستی به شمار می‌رود (Avarati, 2004, 149). در طرح‌های گلیم‌ها و فرش‌ها نیز مار به صورت نقوش S و اژدها به کار گرفته می‌شود (Mesbahi, 2015, 100). با توجه به اینکه بیشتر مردم منطقه تالش به مشاغلی مانند کشت برنج مشغول هستند و در پایان هر سال زراعی باید محصولات خود را در انبارها نگهداری کنند، این موضوع باعث می‌شود که محصولات زراعی در معرض آسیب موجودات و حشرات موذی قرار گیرند. به همین دلیل، کشاورزان محلی برای حل این مشکل از

راهکارهای طبیعی مانند استفاده از مارها و نگهداری گربه‌های محلی بهره می‌گیرند. در اعتقادات مردم بومی تالش، مار خانگی (که در زبان تالشی به آن «ک-مار» می‌گویند از احترام خاصی برخوردار است. این مارها معمولاً سیاه‌رنگ و غیر سمی هستند و هر خانه‌ای مار خانگی منحصر به فرد خود را دارد. استفاده از طرح مار در گلیم‌های تالشی علاوه بر جنبه‌های نمادین، نشان‌دهنده رابطه مسالمت‌آمیز و دوطرفه بین انسان‌ها و حیوانات است (شکل ۳۰).



شکل ۳۰. نقوش مار خانگی در گلیم‌های تالش

نقوش ماهی

ماهی نمادی از پاکی، باروری، فصل بهار، سرسبزی، خرمی، فضاها بهشتی و آرزوهای بشری است (Chevalier & Gheerbrant, 2000, Vol. 5, 141; Elahi, 2008, 112). مجاورت شهرستان تالش با دریای خزر و وجود رودهای متعدد باعث شده است که مردم این منطقه علاوه بر کشاورزی و دامپروری، در فصل پاییز به صید ماهی نیز بپردازند. درواقع، مسئله امرارمعاش یکی از مهم‌ترین دلایل استفاده از اشکال ماهی در طرح‌های گلیم‌های تالش است. همچنین، بافندگان گلیم‌های تالش بر این باورند که ماهی نمادی از افزایش رزق و روزی حلال است (شکل ۳۱).



شکل ۳۱. نقوش ماهی در گلیم‌های شهرستان تالش

نقوش خرچنگ

خرچنگ نمادی از نیروهای زنده ماورایی، قمر آسمانی و ماه است. اشکال خرچنگ یکی از پرتکرارترین طرح‌های هندسی در فرش، قالی و گلیم‌ها هستند (Bakhshi & Vandshoari, 2016, 90). طرح‌های خرچنگ در زبان تالشی با نام‌هایی مانند «چانگه»، «چنگک» یا «کرچنگ» شناخته می‌شوند. یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود طرح‌های خرچنگ در گلیم‌های تالش، ارتباطات فرهنگی و جغرافیایی بافندگان تالش با استان‌های ترک‌زبان هم‌جوار است (شکل ۳۲).



شکل ۳۲. نقوش خرچنگ در گلیم‌های تالش

نقوش لاک پشت

لاک پشت نمادی از کیهان است. منحنی لاک آن نشان‌دهنده طاق آسمان است و ۱۳ خط دایره‌ای روی لاکش نماد راه شیری است، درحالی‌که بخش صاف لاک نشان‌دهنده زمین است (Chevalier & Gheerbrant, 2000, Vol. 5, 2; Sperber, 1995, 8; Ackles, 1988, 26). لاک پشت در زبان تالشی به «گه-سبع» یا «خانه سنگی» معروف است. بافندگان محلی تالش بر این باورند که این طرح دارای اثر ضد چشم‌زخم است و نمادی از ثروت، پایداری، زمین، ثبات و طول عمر است که می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی استفاده‌کنندگان را به همراه داشته باشد. همچنین، وجود شالیزارهای فراوان در حیات خانه‌های تالشی و حضور لاک پشت‌های متعدد در این مناطق، باعث شده است که این جانوران همواره مورد توجه بافندگان گلیم قرار گیرند (شکل ۳۳).



شکل ۳۳. نقوش لاک پشت در گلیم‌های تالش

نقوش شیر

شیر نمادی از اقتدار، سلطنت، خورشید، قدرت و عدالت است (Chevalier & Gheerbrant, 1990, Vol. 4, 111). در تاریخ و فرهنگ ایران، شیر نماد شجاعت، دلیری، قدرت، خورشید زمینی و خورشید آسمانی است (Shayestehfar, 2008, 117; Mirza-Amini & Kazempour, 2012, 63). از دیرباز، گربه‌سانان بزرگی مانند شیر، ببر و پلنگ در جنگل‌های استان‌های شمالی و تالش وجود داشتند که پس از گسترش شهرنشینی و شکار بی‌رویه، بسیاری از این گونه‌ها در این مناطق منقرض شده‌اند. هنرمندان تالشی برای یادآوری این حیوانات که روزگاری در این مناطق زندگی می‌کردند، از چنین طرح‌هایی در گلیم‌های خود استفاده می‌کنند (شکل ۳۴).



شکل ۳۴. نقوش شیر در گلیم‌های تالش

نقوش اشیاء (ظروف سفالی و کوزه سرباز نشان)

نقوش ظروف سفالی و کوزه سرباز نشان

کوزه سفالی نمادی از زنانگی و باروری است (Jafari, 2006, 36). هنر سفالگری از دیرباز در شهرستان‌های تالش و آستارا رواج داشته است. ظروف سفالی که در گلیم‌های تالشی به تصویر کشیده شده‌اند، اغلب دارای طرح‌هایی مانند درخت زندگی و جام‌هایی با نقش سرباز هستند که هریک معانی متفاوتی دارند. کوزه‌هایی با طرح‌های تلفیقی سرباز، نمادی از اقتدار و میهن‌پرستی هستند، درحالی‌که جام‌ها نماد خوشی، جاودانگی، نامیرایی و سلامتی به‌شمار می‌روند (شکل ۳۵).



شکل ۳۵. نقش جام و سرباز

نقوش ابزارآلات کشاورزی (خیش و پرچین)

نقوش خیش

استفاده از نقوش ابزارآلات کشاورزی مانند خیش که نمادی از حاصلخیزی و وصلت آسمان و زمین هستند (Thomas et al., 2016, 753)، در گلیم‌ها و دیگر آثار هنری مردم تالش دیده می‌شود. درواقع، ابزارآلات کشاورزی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روستایی هستند و به‌همین دلیل همواره مورد توجه هنرمندان این مناطق قرار گرفته‌اند (شکل ۳۶).

نقوش پرچین

پرچین نمادی از خلوص است و همواره برای جداسازی حریم‌های خانه‌های روستایی به‌کار گرفته می‌شود (Rostami-Nejadan, 2015, 108; Chevalier & Gheerbrant, 1990, Vol. 3, 17). در گلیم‌های تالش، نقوش پرچین برای جداسازی حاشیه‌ها از طرح میانی استفاده می‌شوند (شکل ۳۷).



شکل ۳۶-۳۷. نقوش چنگک و حصارک چوبی در گلیم‌های تالش

نقوش انسانی و اشیاء زینتی (مراسم ازدواج و شانه و نازناری)

نقوش انسانی

تصاویر انسانی در گلیم‌های تالش، روایتگر داستان‌ها و ثبت‌کننده لحظات مهمی از اعتقادات، آداب و رسوم این مناطق هستند. معمولاً این تصاویر از مراسم ازدواج و بانوانی الهام گرفته شده‌اند که پیام‌آور ورود فصل بهار و آغاز کشت و زرع هستند (جدول ۳، شکل ۳۸-۴۰).

جدول ۳. نقوش انسانی در گلیم‌های تالش

شکل ۴۰. لیلی نشسته در مرکز ترنج	شکل ۳۹. لیلی و مجنون سوار بر اسب	شکل ۳۸. جشن و شادی فرارسیدن فصل بهار
		

نقوش شانه

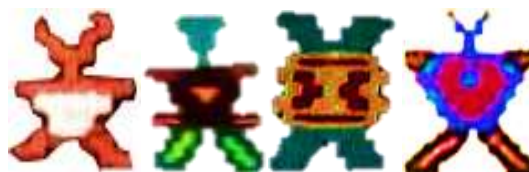
زیورآلاتی مانند شانه نمادی از پاکی و آراستگی هستند و این نگاره‌ها نشان‌دهنده تمایل بافنده به ازدواج است. در گلیم‌های تالشی، اگر نقوش شانه‌ها به صورت یک طرفه باشند، به جنسیت مذکر اشاره دارند و اگر دوطرفه باشند، نشان‌دهنده مؤنث بودن بافنده هستند. معمولاً نقوش شانه در گلیم‌های تالش به صورت دوطرفه دیده می‌شوند (شکل ۴۱).



شکل ۴۱. نقوش شانه در گلیم‌های تالش

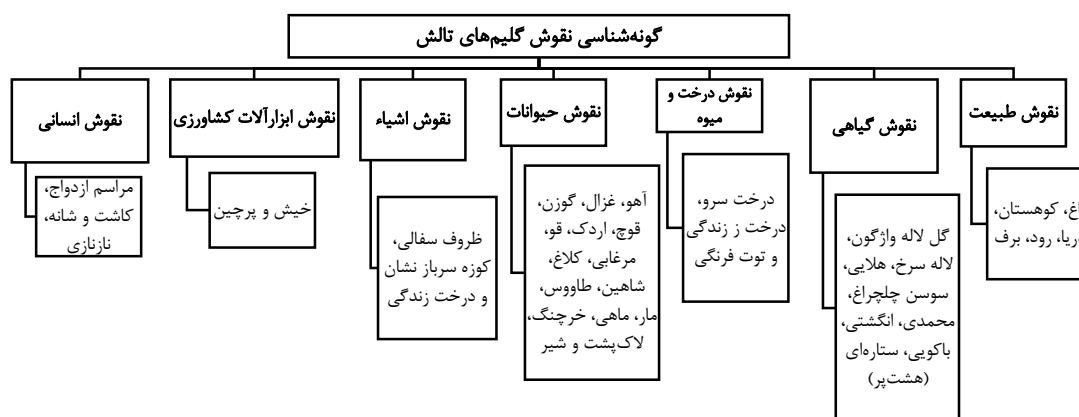
نقوش نازناری

طرح نازناری بر اساس تخیلات و تمایلات جنسیتی هنرمندان شکل گرفته است. نازناری‌ها نقوش عروسکی هستند که در مناطق تالش گیلان و میان مردمان تالش زبان عنبران اردبیل یافت می‌شوند. این طرح‌ها به صورت عروسک‌های شاخ‌دار، بدون شاخک و با لباس‌های ساده یا طرح‌دار دیده می‌شوند. معمولاً این طرح‌ها در گلیم‌هایی که توسط بانوان بافته می‌شوند، به وفور یافت می‌شوند (شکل ۴۲).



شکل ۴۲. نقوش نازناری در گلیم‌های تالش

به‌طورکلی، نقوش گلیم‌های شهرستان تالش در هشت سطح دسته‌بندی شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱. گونه‌شناسی نقوش به‌کار گرفته‌شده در گلیم‌های تالش

نتیجه‌گیری

از دیرباز تا کنون، ساختارهای هنری از بسترهای فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی که هنرمندان در آن زندگی کرده‌اند، الهام گرفته‌اند. ریشه‌های نمادین موجود در گلیم‌های شهرستان تالش عمدتاً از اشکال موجود در طبیعت و مفاهیم تجریدی مانند درختان بومی، نقوش گیاهی، اشیاء زینتی و کشاورزی، نقوش تخیلی، جانداران بومی و غیربومی و نقوش آیینی مرتبط با انسان‌ها نشأت گرفته‌اند. استفاده از تصاویر حیوانات در گلیم‌های تالشی ناشی از تأثیرات مستقیم زندگی مردم در تأمین نیازهای معیشتی، مانند حیوانات حلال‌گوشت، آبزیان و پرندگان است. همچنین، هنرمندان با به‌کارگیری تصاویر حیوانات منقرض‌شده یا در حال انقراض، تلاش می‌کنند تا این گونه‌های جانوری را به نسل آینده معرفی کنند. علاوه‌براین، با استفاده از طرح‌های حیوانات وحشی، مفاهیم متضادی از انرژی‌ها را در طرح‌های خود ایجاد می‌کنند و از ویژگی‌های طبیعی حیوانات برای محافظت از محصولات کشاورزی خود بهره می‌برند. تعاملات فرهنگی نیز یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گلیم‌های تالشی بوده است. هنرمندان این مناطق به‌واسطه تعاملات فرهنگی و نزدیکی با استان‌های ترک‌نشین، توانسته‌اند از نقوش سایر اقوام نیز استفاده کنند. به‌عنوان مثال، طرح‌های خرچنگ، کله قوچی، اس و مار در



گلیم‌های ایل شاهسون و طرح نازنازی، یا طرح گل هلائی و باکویی که ریشه در تالشان آذربایجان دارد، در گلیم‌های تالش به‌وفور دیده می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عناصر موجود در طبیعت، مانند کوه‌ها، دریا، رودها، اجرام آسمانی، نزولات جوی، گل‌ها و میوه‌جات، از مهم‌ترین عواملی هستند که در شکل‌گیری نمادهای گلیم‌های تالش مؤثر بوده‌اند. از جمله موضوعاتی که می‌توان برای پژوهش‌های آینده در نظر گرفت، بررسی چگونگی استفاده از نقوش گلیم‌ها در سایر پوشاک مردمان محلی تالش و همچنین شناسایی نقوش مشترک بین گلیم‌ها و سایر هنرهای سنتی تالش است.

References

- Abdoli, A. (2023). The culture of the people of Talesh. Tehran: Jamehnegar. (In Persian)
- Abeddoost, H., & Kazempour, Z. (2009). Various forms of the tree of life in Iranian carpets. *Goljam*, 12, 123-139. (In Persian)
- Abeddoost, H., & Kazempour, Z. (2015). A study on the symbolic meanings of motifs on Sasanian coins. *Journal of Astan-e Honar*, 13, 80-89. (In Persian)
- Ackles, S. F. (1988). Symbols and their meanings in the carpets and prayer rugs of the Turkish, Armenian and Persian traditions. Colorado State University Libraries.
- Ahmadi, A. (2021). Symbolism in the motifs of Sanandaj carpets (1st ed.). Sanandaj: Masoud. (In Persian)
- Akhavi, A. (2015). Historical geography of the Caucasus and Northern Iran. London: Routledge.
- Alakbarli, F. (2016). Cultural heritage of the Talish people: Traditions and symbolism. Baku, Azerbaijan: Institute of Manuscripts.
- Alavi, F. (2016). Cultural identity and religious beliefs of the Talysh people. London: Routledge.
- Avarati, N. (2004). The symbol of the "snake" in classical Persian literature. *Textual Criticism of Literature*, 21, 147-160. (In Persian)
- Bakhshi, A., & Vandshoari, A. (2016). A study on the formal structure of designs and motifs in authentic Kurdish rugs of Khorasan (Razavi, Northern). *Goljam*, 29, 63-92. (In Persian)
- Borhani, H. (2019). Flora of Iran: Conservation and heritage. Tehran: Iranian Biological Society Publications.
- Canby, S. R. (2002). Safavid art and architecture. Art Media Resources.
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2000). Dictionary of symbols: Myths, dreams, customs, gestures, shapes, figures, colors, numbers (Vols. 1-5) (S. Fazaili, Trans.). Tehran: Jeyhoon. (Original work published 1969). (In Persian)
- Cirlot, J. E. (2001). A dictionary of symbols (2nd ed.). Dover Publications.
- Croissant, M. P. (1998). The Armenia-Azerbaijan conflict: Causes and implications. Westport, CT: Praeger.
- Elahi, M. (2008). The identity of the fish in Persian carpets. *Goljam*, 10, 101-136. (In Persian)
- Fakhr, N., Chitsazian, A., & Safaran, E. (2012). The "bird" motif in the "Khoshti" design rugs of Chaharmahal Bakhtiari. *Goljam*, 21, 33-44. (In Persian)

- Farsam, H., Amanlou, M., Amin, G., Chegini, G. N., Salehi-Surmaghi, M. H., & Shafiee, A. (2003). Anatomical and phytochemical study of *Lilium ledebourii* (Baker) Boiss.: A rare endemic species in Iran. *DARU Journal of Pharmaceutical Sciences*, 11(4), 164-170.
- Fathi, N. (2018). *The Talish: A study of cultural continuity and historical connections*. London, UK: Routledge.
- Ferrier, R. W. (Ed.). (1989). *The arts of Persia*. Yale University Press.
- Ghani, A. (2011). The peacock motif in the kilim weavings of the Qashqai Shahsevan tribe. *Goljam*, 20, 7-20. (In Persian)
- Ghasemi-Andaroud, M. (2010). *Pattern and color of Talesh handwoven textiles* (1st ed.). Rasht: Ilya. (In Persian)
- Ghorbani-Rik, R., & Ma'dani, S. (2017). Cultural and social contexts of ethnic coexistence in Talesh society. *Journal of Iranian Anthropology Research*, 7(1), 95-113. (In Persian)
- Hasanpour Loumer, S. (2014). Typology of traditional houses in Talesh County: A case study of Khaleh Sara village. *Journal of Housing and Rural Environment*, 147, 93-131. (In Persian)
- Hassanpour-Nami, J., Akbari, F., & Seyed-Saadati, S. H. (2021). *Selected works of design and pattern by Master Jafar Pakdast-Sardroudi* (1st ed.). Tabriz, Iran: Tabriz Islamic Art University. (In Persian)
- Jafari, M. T. (2006). *Symbolism and culture*. Tehran, Iran: Ney Publishing. (In Persian)
- Jalilian, N., & Ahmadpanah, S. A. (2012). The influence of religious and mythological beliefs on rural rugs of Hamedan. *Goljam*, 22, 7-18. [In Persian]
- Javadi, S., & Siraji, N. (2020). The symbolism of the rose flower with an emphasis on Iranian culture and art. *Journal of Art and Civilization of the East*, 29, 37-46. [In Persian]
- Jung, C. G. (2021). *Man and his symbols* (14th ed.) (M. Soltanieh, Trans.). Tehran: Jami. (Original work published 1964). (In Persian)
- Karimi, A. A. (2017). *Geography and urban development of Northern Iran*. Tehran, Iran: University of Tehran Press.
- Khan, N. R. (2021). *Art and architectural traditions of India and Iran: Commonality and diversity*. Taylor & Francis Group.
- Mabashari, M., & Karimi, T. (2015). Cognitive analysis of the image of the deer in Shams' Divan. *Journal of Mystical Literature Research (Gohar-e Goya)*, 9(2), 25-50. (In Persian)
- Mahmoudi, F., & Shayeghfahar, M. (2008). A comparative study of the motifs of Shahsevan and Caucasian handwoven textiles. *Goljam*, 11, 25-40. (In Persian)
- Manfardeh-Chamachari, S. M. (2023). *The Taleshs through time*. Rasht: Mah-Minoo. (In Persian)
- Masali, A. (2010). *A journey through the culture, history, and historical geography of Talesh*. Rasht: Farhang-e Ilya. (In Persian)
- Mirza-Amini, S. M. M., & Kazempour, D. (2012). The role of the lion in Persian carpets compared to literary and mystical works. *Goljam*, 22, 61-72. (In Persian)
- Morgan, M. J. (2010). *Symbolism of animals in art and myth*. London: Bloomsbury Academic.
- Mesbahi, S. (2015). Design and motif in Amo Oghli rugs. *Goljam*, 27, 99-112. (In Persian)



- Nosrati-Lialmani, S., & Yuzbashi, A. (2020). Identification of Gilan kilim motifs and their application in designing men's and women's office uniforms. *Journal of Iranian Handicrafts Studies*, 3(1), 63-80. (In Persian)
- Nikitina, E. P. (2019). *Caspian environments: Nature, culture, and sustainability*. New York: Springer.
- Overton, K. (Ed.). (2020). *Iran and the Deccan: Persianate art, culture, and talent in circulation, 1400-1700*. Indiana University Press.
- Pak-Khoshkhnoodahan, K. (2020). The culture of Talesh-speaking people of Fuman. Rasht: Sepidrod. (In Persian)
- Panahi, H., Zeinli, B., & Shahi, D. (2014). Assessing the potential for ecotourism development in Talesh County using the SWOT method. *Journal of Geographical Space of Tourism*, 3(13), 123-139. (In Persian)
- Parsanasb, M., & Manavi, M. (2013). The evolution of the crow motif from myth to folklore. *Journal of Folklore Culture and Literature*, 1, 71-92. (In Persian)
- Pennycuik, S. (2008). *The handbook of birds in world history*. New York: Routledge.
- Pir-Heyati, M. (2015). *Symbolism and mythology* (1st ed.). Tehran: Roozaneh. (In Persian)
- Pope, A. U. (2008). *Masterpieces of Persian art* (4th ed.) (P. Natel Khanlari, Trans.). Tehran, Iran: Elmi va Farhangi. (Original work published 1938). (In Persian)
- Pournamdarian, T. (2017). *Symbol and symbolic stories* (9th ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. (In Persian)
- Rafi-Far, J., & Ghorbani-Rik, R. (2007). Cultural changes from nomadism to settlement: A case study of Talesh nomads over three generations. *Journal of Social Sciences*, 31, 57-80. (In Persian)
- Rahideh, M. R., & Aghighi-Hatamipour, M. (2014). A study on the meanings of the "goat" motif in Kermanshah felt textiles. *Goljam*, 25, 5-27. (In Persian)
- Rahimi, N. (2019). *Art and nature in Talysh culture*. Tehran: Iranian Cultural Heritage Organization Publications.
- Rostami, M., & Ghasemi, M. (2016, August). A comparative study of kilim motifs in Talesh, Iran, and Turkey. Paper presented at the International Conference on Oriental Studies, Persian History, and Literature.
- Rostami-Nejadan, D. (2015). Anthropology and archaeology of Neolithic symbols in Kurdistan. *Journal of Anthropology*, 23, 98-129. [In Persian]
- Sa'adati-Jabali, A., Golizadeh, P., & Ebrahimi, M. (2018). The symbolism of the sun in Masnavi. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 7(2), 95-114. (In Persian)
- Sabbagh Pour, T., & Shayestehfar, M. (2009). A study on the designs and motifs of Qajar carpets in the Iran Carpet Museum. *Goljam*, 14, 89-112. (In Persian)
- Sabbagh Pour, T., & Shayestehfar, M. (2010). A study on the symbolic motif of birds in Safavid and Qajar carpets in terms of form and content. *Negareh*, 14, 39-49. (In Persian)
- Shadghazvini, P. (2005). Hidden treasure in the motifs of Gilan kilims. *Journal of Document Treasury*, 77, 40-56. (In Persian)
- Shadghazvini, P. (2009). The diversity of motifs in handwoven kilims of Gilan. *Journal of Book of the Month, Art*, 128, 4-14. (In Persian)
- Shahmoradi Ardjani, R. (2012). Feasibility study of the Islam Road to Khalkhal route for developing tourism activities (Case study: Navroud Basin area). *Natural Geography*, 5(17), 63-74. (In Persian)

- Sharif, H., Eskandarpour-Khorrami, P., & Fahimifar, A. (2016). A study on the influence of natural elements on the motifs of Jiroft kilims. *Goljam*, 30, 5-21. (In Persian)
- Shayeghfhar, M. (2008). Symbolism and national identity in Safavid carpets. *Journal of Islamic Art Studies*, 9, 117-138. (In Persian)
- Shayeghfhar, M., & Shokrpour, S. (2009). A comparison of the designs and motifs of Meybod ziloo weaving and Yazd Mosque. *Journal of Islamic Art Studies*, 11, 25-42. [In Persian]
- Sperber, D. (1995). *Rethinking symbolism*. Cambridge University Press.
- Stevens, A. (1998). *Archetypes and motifs in folklore and literature: A psychological perspective*. Routledge.
- Stierlin, H. (2012). *Persian art & architecture*. Thames & Hudson.
- Taghavi-Nejad, B. (2008). The manifestation of “Gereft-o-Gir” motifs in Safavid carpets. *Goljam*, 9, 49-62. (In Persian)
- Thomas, G., McDonnell, G., Merkel, J., & Marshall, P. (2016). Technology, ritual and Anglo-Saxon agriculture: The biography of a plough coulter from Lyminge, Kent. *Antiquity*, 90(351), 742–758.
- Thompson, J. (1987). *Turkish rugs and kilims: Symbols, meanings, and designs*. London: Thames & Hudson.
- Wilson, K. M. (2014). *Mountain cultures: Understanding people’s livelihoods and landscapes*. London: Earthscan Publications.
- Zarei, R. (2018). *Geographical atlas of Iran: Regions and provinces*. Tehran: Iranian Geographical Society Publications.